

# بیدار

ویژه نامه همایش بیداری دانشجویی و تمدن سازی نوین اسلامی  
جامعه اسلامی دانشجویان



نوزدهم

مظلم

تغییر

سراسری اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان  
و تمدن سازی نوین اسلامی  
تا غایت ۲۹ بهمن ماه مشهد مقدس



اتحادیه جامعه اسلامی  
دانشجویان



شناسنامه:

ویژه نامه همایش بیداری

دانشجویی و تمدن سازی نوین اسلامی

شماره مجوز: ۹۲۲۱۰۱

مدیر مسئول: علی نامری

سردبیر: محمد صادق آروین

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی

همکاران نشریه: سعید ظلوعیان، رضوان پاک منش، سعید نبی زاده



# سرمقاله

سردبیر

## به سوی بازتعریف میانی و اصول اولیه

علوم انسانی به تعبیر زیبای دکتر ابراهیم فیاض "سیاستگذاری سیاستگذاری ها" است. وظیفه علوم انسانی تشریح و توصیف اوضاع کلی جامعه و سپس با توجه به این توصیف، تجویز و نسخه پیچی برای جامعه است. هر جزئی از جامعه متعلق بررسی یکی از علوم مرسوم است. علوم فنی ناظر به اداره ابزار و مادی و سخت افزاری جامعه است. علوم مهندسی معطوف به ساخت فیزیکی و معماری است. پزشکی، ریاضیات، فلسفه و... نیز هر کدام بررسی حوزه های گوناگون مربوط به خود را برعهده دارند. اما جامعه سازی بدون اتصال منطقی هریک از این حوزه ها به یکدیگر ذیل یک سیاستگذاری کلان ممکن نیست. سیاستگذاری کلان به معنای انجام این کارویژه، یعنی برقراری ارتباط بین حوزه های گوناگون یک جامعه و هدایت آنها در مسیری معین و از قبل مشخص شده است؛ سیاستگذاری کلان، کارویژه علوم انسانی در یک جامعه است و دانشمندان علوم انسانی کارگران این سیاستگذاری. تمدن سازی به یک معنا عبارت است از حرکت به سمت ساخت یک جامعه و نگاه به این امر در قالب یک پروژه. عبارت پروژه در علوم انسانی در مقابل مفهوم پروسه قرار می گیرد. پروسه روال

جامعه اسلامی دانشجویان با برگزاری همایش بیداری دانشجویی و تمدن نوین اسلامی در حقیقت در مسیر سیاستگذاری کلان قدم بر می دارد؛ این همایش می تواند سرآغاز حرکت های تحول آفرین در تشکل ما باشد. ما می توانیم صاحب ایدئولوژی و طبیعتاً صاحب کارکدهای ایدئولوژیک شویم. اما برای این کار نیاز به چرخشی بزرگ در ذهنیات افراد و اعضا تشکل خود داریم؛ مجموعه ای از تغییرات می باید تشکل ما را از وضعیت موجود غیر ایدئولوژیک، به وضع مطلوب ایدئولوژی محوری برساند. این همایش می تواند سرآغاز چنین مسیری باشد. بسی دقت و تأمل و تفکر لازم است توجه به این نکته که در سال های اخیر دفاتری که سیقه فکری و مطالعاتی و تئوریک تر داشته اند دچار ایذمی فراگیر و همه گیر رکود و رخوت و سردرگمی در بین تشکل های دانشجویی نشده اند. اهمیت کارهای فکری در جامعه اسلامی دانشجویان از این جهات باید مد نظر قرار بگیرد و کسانی باید پیدا شوند تا سردمدار مبارزه با عمل زدگی، سیاسی کاری ها و سطحی نگری ها و... باشند و ما را به تدریج به سوی تفکر و تعق نظری تئوریک سوق دهند؛ آری تحولی عمیق و وسیع می باید تا کارگزار چنین تحرکی باشد.

عادی و طبیعی طی شده در مسیر تاریخ است که بدون اراده انسانی و دخالت عامل آگاهانه شکل می گیرد اما پروژه به معنای تعریف مراحل برای انجام کاری و همچنین برنامه ریزی برای آن است. چنان که ما در پروژه خود برای دستیابی به تمدن اسلامی از مراحل انقلاب، نظام، دولت و جامعه اسلامی یاد می کنیم و رسیدن به تمدن اسلامی را مرحله محور می دانیم.

تمدن اسلامی در نگاه دیگر یک ایدئولوژی است. ایدئولوژی خود به تنهایی مجموعه ای از کاویژه ها را بر عهده دارد. از سویی وضعیت موجود را تشریح و نقد می کند تا زمینه عبور از آن را فراهم کند در این معنا ایدئولوژی به معنای شناخت شناسی موقف و جایگاه موجود است. از سوی دیگر به توضیح درباره وضعیت مطلوب قائلان به ایدئولوژی می پردازد و از چشم انداز فرارو خبر می دهد؛ در این معنا ایدئولوژی به افق شناسی و هدف پردازی می پردازد. و مهم تر از همه ایدئولوژی نسخه ای از برنامه های پیشنهادی خود را برای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب ارائه می دهد. در این معنا ایدئولوژی وارد مرحله عملیاتی خود می شود. ایدئولوژی به معنای نظم جامعی است که هر کشور، جامعه و گروه و مسلکی فاقد آن باشد راه به جایی نخواهد برد. علت رکود و رخوت فعلی حاکم بر تشکل های دانشجویی نیز دقیقاً همین نکته است.

آن به تمدن الهی رسید. تمدن الهی که مقصد آن تعالی انسان است بر بناهای استوار دیگری مبتنی است و باید کار خود را از زیربناهای خاص خود آغاز نماید.

بحث که وجود دارد، مطالبه ی به حق و راهبردی مقام عظمای ولایت است که در نتیجه ی آن تمام اقشار مردم، فرهیختگان و دانشجویان و مسئولان درگیر کار شوند و در هر جا که هستند به این مقوله بپردازند که چگونه به اقامه تمدن نوین اسلامی بپردازیم.

با توجه به تأکیدات مکرر چندین ساله و مخصوصاً اخیر مقام معظم رهبری بر روی مبحث "تمدن سازی" و آرمان تمدن نوین اسلامی، جامعه اسلامی دانشجویان نیز این موضوع را یکی اصلی ترین دغدغه فکری خود می داند که می بایست تمام مسئولین را به آن متوجه ساخت و با این مقیاس سنجید و به فضای مطالبه کشاند.

لذا با توجه به این حجم از دغدغه ها و طرح مطالبات و تمرکز بر دو محور عمده علم و فرهنگ بر آن شدیم که با تبیین فضای آینده ی انقلاب اسلامی و یافتن جایگاه این مبحث مهم رهبری در آینده شناسی جمهوری اسلامی ایران، در یک همایش شش روزه با قالب های سخنرانی، کارگاه و ... به نقش بیداری دانشجویی در تمدن سازی نوین اسلامی بپردازیم.

ما بدان مقصد عالی توانیم رسید هم مگر پیش نهاد لطف شما گامی چند

تعالیم الهی در زمین است که روح فرهنگ اسلامی در آن حاکم باشد. اگر ابعاد یک جامعه را به اجزای وجودی یک انسان تشبیه کنیم آنگاه فرهنگ اسلامی همچون روحی الهی است که در این کالبد دمیده می شود. دمیده شدن روح تعالیم و فرهنگ اسلامی در کالبد جامعه موجب می شود تا اهداف و افق های آن الهی شود؛ به تبع جریان اندیشه و علوم را نیز به سرچشمه های علم الهی متصل و از آلودگی ها تطهیر می کند؛ اخلاق و ارزش های حاکم بر افراد و نظام اجتماعی را نیز روحانی می کند؛ در نتیجه تمام نمادهای آن نیز رنگ خدایی می گیرند. به تعبیر قرآن مجید همه چیز در همه سطوح تمدن اسلامی به رنگ زیبای خداوندگار هستی بخش است: صیغه الله و من احسن من الله صیغه، رنگ خدایی، و چه رنگی زیباتر از رنگ خداست؟! (آیه شریفه ۱۲۸، سوره بقره). بنا براین انقلاب اسلامی، جهان را به "برگشت به معنویت" دعوت می کند.

ما به دنبال هدف مشترک همه انبیاء الهی و ایجاد تمدن الهی هستیم. در این تمدن هم معنویت و اخلاق و فضیلت به معنای عبودیت و بندگی خداوند متعال، و هم عقلانیت کامل و هم کارآمدی عینی اجتماعی وجود دارد. ترکیب سه شاخصه فوق "تعالی" است و جامعه الهی، جامعه ای دارای تعالی است، که به سمت آن حرکت می کند و رو در روی "توسعه" و شاخصه های مربوط به آن قرار دارد. باید توجه کرد که جامعه متعالی، از ترکیب تجدد و تمدن جدید و نوپای غرب با آموزه های اسلامی به دست نمی آید، بلکه تعالی، هویتی مستقل دارد. نمی توان با اسلامی کردن تجدد و ایجاد مدرنیته اسلامی، به مفهوم رایج

دانشگاهی باید دنبالش بروند، بحث کنند و در نهایت مدل پیشرفت را برای ایران اسلامی، برای این جغرافیا، با این تاریخ، با این ملت، با این امکانات، با این آرمان ها ترسیم و تعیین کنند و بر اساس او، حرکت عمومی کشور به سوی پیشرفت در بخش های مختلف شکل بگیرد... ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی- ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است." لذا ما باید تلقی خود را از انقلاب کبیر اسلامی عوض کنیم. در واقع انقلاب در ۲۲ بهمن سال ۵۷ شروع شد و اولین موج از جریان انقلابی در این سال به پیروزی رسید. اگر ما با رویکرد تمدنی به این مسئله نگاه کنیم خواهیم فهمید که انقلاب اسلامی از این سال شروع شد و در غیر اینصورت دچار اشتباه مردم می شویم که انقلاب در سال ۵۷ تمام شده همان طور که مقام عظمای ولایت می فرمایند که "من با اطمینان کامل میگویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است".

تعالیم اسلامی همواره دو هدف اساسی را پی گیری می کند، هدف اول انسان سازی است و هدف دوم تمدن سازی است که آن هم فضای رشد و تعالی انسان کامل را تأمین می کند به تعبیر آیت الله جوادی آملی "مهم ترین هدفی که حکومت اسلامی به همراه دارد... دو چیز است: اول انسان ها را به سوی خلیفاه... شدن راهنمایی و مقدمات سیر و سلوک آن را فراهم کردن، دوم کشور اسلامی را مدینه فاضله ساختن."

منظور از تمدن سازی دینی ایجاد زندگی مبتنی بر



## چرا تمدن اسلامی؟

"وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُثَبِّتَنَّ لَهُم مِّنْ بَعْدِهِمْ خَوْفَهُمْ أَمَّا تَتَذَكَّرُونَ لَا يُشْرِكُونَ بِى شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ"

سعید نبی زاده دبیر همایش؛ با پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی برای ایجاد تمدن ناب اسلامی پدید آمد و با دگرگون شدن معادلات حاکم بر زندگی جمعی، فضای مناسبی برای تمدن سازی دینی فراهم شد از این رو می توان گفت انقلاب اسلامی فرصتی بی بدیل را در اختیار متولیان معارف دینی قرار داد تا الگوی اجرایی تمدن اسلامی را طراحی و مراحل اجرایی آن را قدم به قدم دنبال کنند. بنابراین نظام اسلامی باید پروژه بزرگ طراحی الگوی توسعه اسلامی و ایجاد تمدن آرمانی اسلام را راهبری و پی گیری کند. چنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی اردیبهشت سال ۸۶ در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی می گویند: "مدل سازی و الگوسازی، کار خود شماست، یعنی کار نخبگان ماست. در تحقیقات





## نقش زنان در تمدن اسلامی

رضوان پاک منش؛ سبک زندگی و تمدن دو امر بسیار پویا هستند که با توجه به نیازهای جامعه تغییر پیدا کرده و در این بین نقش‌های متفاوتی توسط افراد زیادی ایفا می‌شود. زن نیز در یک جامعه اسلامی به عنوان یک عنصر مهم و وظایف زیادی دارد که باید هماهنگ با تمدن اسلامی و در جهت پایه گذاری آن باشد... شاید بتوان گفت مهم ترین نقش یک زن، بنیان گذاری سیاست‌های عمیق تربیتی است زیرا ابتدا برای ایجاد تمدن اسلامی باید هویت اسلامی ایجاد شود که این هویت متفاوت از تمدن عرب باشد و وقتی این امر به وجود

می آید که فرد در جامعه کوچکتری تحت عنوان خانواده به سبکی اسلامی تربیت شود. بنابراین نقش مهم زن در تربیت ابتدایی و ایجاد ارزش‌های اسلامی در فرد است و بنابه تعبیر امام (ره) که فرمودند: "زن با تربیت صحیح خویش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خویش کشور را آباد می‌کند."

اما متأسفانه در جامعه مدرن امروزه چیزی که ما شاهد هستیم، پیدایش نقش‌های متفاوت اجتماعی برای زنان است که حتی شاید بیشتر آن‌ها متناسب با شأن و روحیه حساس یک زن نیستند و این امر

سبب عاقل ماتن زنان از وظیفه مهم خود در خانواده می‌شود و سبب تغییر جهت سبک زندگی اسلامی به سمت متریته می‌شود... و این مسأله نباید با انزوای زن در خانه اشتباه گرفته شود. به عبارتی می‌توان گفت که نقش زن در انسان‌افزایی پررنگ تر و نقش مرد در سخت‌افزاری پررنگ تر است... و آنچه اسلام برای زنان برای رسیدن به یک جامعه اسلامی تر ترسیم کرده ایجاد مرز مشخص بین زنان و مردان در جامعه، از طریق حجاب و ترویج فرهنگ خویشتن‌داری جنسی و توجه به نیازهای حقیقی و فطرت زنان و قرار دادن آن در محیط خانواده برای استحکام بنیاد خانواده به عنوان نقش طراز اول در تعلیم و تربیت فرزندان است...

وظیفه دیگری که زنان باید داشته باشند این است که نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی بی تفاوت نباشند زیرا سیاست و اسلام دو نیمه هم هستند... بنابراین زن باید با حضور به موقع در عرصه اجتماعی، حریبان ساز باشد. همانند زنان بزرگواری در صدر اسلام همچون حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) که در کنار انجام درست و کامل رسالت‌های اصلی خود، توانستند یک نهضت اجتماعی ایجاد کنند. حضرت زهرا (س) زمانی که احساس می‌کردند که امامت در خطر است به بهترین وجه نقش روشنگری داشته و دفاع می‌کردند. کما اینکه خطبه سیاسی فدک آن حضرت برای همه ما آشنا است و با حضرت زینب (س) که پرچم استمرار نهضت

عاشورا را برافراشته نگه داشتند و با بصیرت و آگاهی و بینش زیاد فتنه یزید را دفع کردند... نقش زنان در بیداری اسلامی یکی از بزرگ ترین افتخارات جامعه اسلامی است. پدیده ای که در نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای اسلامی باهدف برگرداندن هویت اسلامی خارج از سلطه استبداد بود و با تدبیر حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری موج دوم این بیداری اسلامی به موفقیت رسید و چیزی که بیشتر از همه نمود پیدا کرد حضور گسترده و احساس مسئولیت زنان در این بیداری است... و بنابه تعبیر امام (ره) که فرمودند: "امروز زنان شیر دل، طفل خود را به آغوش کشیده و به میدان تانک و مسلسل رژیم آورده‌اند کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است؟"

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان مسلمان تا زگی ندارد و به تقلید از زنان غربی و بر مبنای لیبرالیستی صورت نگرفته، بلکه پیشینه ای به قدمت ظهور اسلام داشته و با پیروی از الگوهای زنان مبارز مسلمان و بر سانی اعتقادی دین اسلام بوده است و زنان با ایمان در این راه همانند زمینه‌های دیگر که در آن برادرانشان را باری می‌کردند به کمک مردان آمده و با او مشارکت فعال داشتند. بنابراین شایسته است که گفته شود: "همه ی سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود و اگر زن متحول شود، جامعه متحول می‌شود."

سمیه‌ها و خدیجه‌ها دیده است تاریخ، سیده زهراها و الهام زهرایی‌ها در دامش پرورده. هر کجا که بانو نیاز به حضور داشته چه درجه سه نرم و چه درجه سه جگ سخت. بانو مفنندایی چون زهرا داشته مگر نه این که شبعه از ماده مشابهت می‌آمده! که مولا برود و مقتدا پایش را در جای بای او بگذارد...

مگر مادر ما فاطمه نیست؟ مگر به حمایت از تمدن اسلامی برخاست؟ مگر بخاطر حمایت از ولی‌اش جلو بیاید؟

بعضی خودشیفته‌ها امروز مرجشان را گم کرده اندلو فراموش کرده اند اگر عمر مادرمان تنها ۱۸ بهار یابید برای حراست از چه بود... خیلی‌ها امروز دارند سعی میکنند هیزم درب خانه سید علی بریزند، ما کجای در ایستادیم؟ مانند زهرا حامی علی زمانمان هستیم؟؟؟ به مادر یگو: بانو! امسال بهار مفران شده با نوزان عمر شما. و چقدر کمبود دارد دنیا هنوز برای بهار شدن!!! مادر جان کمک کن در غبار رویی دلمان را بزدایم از همه عبارها و زنگارهای گناه و بیاراییم ۷ سین دلمان را به ۷ سلام برهتن و سلام بر صاحب العصر والزمان و تائب برحقش.

بانو. رمق بده تا در مسیر زهرایی شدن گام برداریم



## بنوانان بانوی زهرایی



قَالَ اللَّهُ (مَنْ رَبُّهُ يَتَّقِ) وَأَبُو (سَلَمَةَ) لِقَابِهِ (سَلَمَةُ) اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ قَالَتْ لَنْ تَكُنِي رَجُلًا وَلا يَرَاهَا رَجُلٌ فَحَمَلَهَا إِلَيْهِ وَقَالَ ذَرْنِي يَفْعَلْهَا مِنْ يَفْعَلْ.

## بانوان زهرایی

نسیم قاسمی؛ ابتدای کلام را با یک حدیث قدسی شروع میکنم که سخن پروردگار است و حجت تام و تمام بر خلق؛

ای محمد! اگر بخاطر تو نبود عالم هستی را خلق نمیکردم و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدم و اگر فاطمه نبود تو و علی را خلق نمیکردم. نه تنها زن تمدن ساز است که تمدن، خلقت و حتی فراتر از آن اصل موجودیت بشر بخاطر وجود یک بانوست و بقول دکتر هراتیان این جهنمی که امروز بشر در آن دست و پا میزند از شراره‌های همان آتشی است که در

خانه فاطمه را سوزانید. فاطمه بهانه خلقت است و با وجود اینکه جامعه حیا را درست ب اندازه قامت رعنا پیش دوخته اند و حماسه عظیم تمدن سازش تربیت حسنین (سادات شباب اهل جنات) است و یادگار دیگرش، زینب (زینت بشر) که هر کدام یک تاریخ رامدبریت کرده اند و صفحات تاریخ گواه این ادعاست، چنین بانویی آنجا که عرصه عرصه ی حضور است ب مسجد می‌رود طوری سخن می‌گوید که درو دیوار مسجد با شک و تحیر از خود می‌پرسند: آیا این ندای مولایمان محمد است؟ متری این بانو میشود زینت علی (عقبه العرب). همو که میراث دار چادر و معجز خاکی مادر هم هست و باز هم در حیا پیشگی اش باید گفتن که مالک خیمه

میانی نینواست تا مادا چشم حرامی نظاره گر قامتش باشد...

اما در عرصه حضور آنجا که باید پیام دوران ب گوش مردمان در سایر زمان‌ها برسد نا نهال نویای دین بهالد و شاخ و برگ بدهد و تمدن اسلامی حرف تاریخی اش را بر درو دیوار تاریخ حک کند در مجلس یزید خطبه غرا می‌خواند و چه سخن برخی است

کر بلا در کربلا میماند اگر زینب نبود...

این رسالت زهرای زمان است، هر کجا که حق تمدن اسلامی تضحیح شده آنچنان که فقط حضور مردان کفایت نمیکرده حضور بانوان لازم بوده است. از خطبه خواندن تا حرف و زخم زبان شنیدن. داغ







# تمدن‌سازی اسلام در اندیشه رحیم پور ازغدی



سعید طلوعیان؛ «در این مهمانی فرهنگی، حتی در صورت تفاوت نظر و اختلاف دیدگاه، برای چند دقیقه، کنار یکدیگر به پرسش‌های مشترک می‌اندیشیم و احرام تفکر می‌پوشیم. پس آن‌گاه از یکدیگر می‌پرسیم: آنچه تو گفتی من شنیدم، آیا تو هم آنچه را من گفتم شنیدی؟»

این جملات بر روی صفحه‌ی اول تارنمای رسمی استاد رحیم پور ازغدی نقش بسته است. اندیشمندی که مفاهیم و گفت‌وگو را شرط اصلی و اساسی ارتباط تلقی می‌کند و در نظرگاه او، یقین چیزی جز حاصل شک در انگاره‌های حتی کاملاً متقن و بدیهی نیست. سبک و سیاق اندیشه‌ورزی استاد رحیم پور ازغدی، نه برپایه‌ی جزمیت، که برپایه‌ی شکاکیت معطوف به یقین استوار شده است. شک را نه فروریزنده‌ی بنیاد تئوریک اندیشه‌های خود و مکتبش، بلکه حتی مقوم آن می‌داند. «نقد» از دانش‌واژه‌های پُرکار قلم و زبان وی دسته‌بندی می‌شود و منتقد در منظومه‌ی فکری‌اش ارج و قربی والا می‌یابد.

**منطق مطهری، زبان شریعتی**

در کنار فعالیت‌های تشکیلاتی هیچ‌گاه از فعالیت‌های علمی غافل نماند. حیدر رحیم‌پور ازغدی در خاطراتش در کتاب «از انجمن پیروان قرآن تا انجمن حجتیه» از موفقیت‌های بی‌نظیرش در حوزه می‌گوید و نگارش کتاب «عروج خمینیون» در سن پانزده سالگی و مصادف با بازگشت امام خمینی (ره) به ایران. همین کتاب بود که وقتی ریاست دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی آن را خواند، گفت: «مفاهیم مطهری از زبان شریعتی بیرون آمده است. (۵) همین قدرت اندیشه‌ورزی و قدرت بیان، در سخنرانی‌های بعدی‌اش نیز هویدا شد؛ طوری که عده‌ای وی را با همشهری شهرش دکتر علی شریعتی مقایسه می‌کنند و معتقدند رحیم‌پور به نوعی مقلد شریعتی در این زمینه به حساب می‌آید: «استاد رحیم‌پور ازغدی از قدرت شیرینی سخن و گرمی کلام بهره‌مند هستند و البته دارای مطالعات پیوسته‌ای در حوزه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی و کلام جدید می‌باشند.

با تکیه بر شیرینی سخن و حرارت کلام، توانسته است به‌رغم محتوای کلامی و جامعه‌شناختی، سخنان وی مورد توجه توده‌ها قرار گیرد؛ تا حدی که بسیاری او را با همشهری شهرش استاد شریعتی مقایسه می‌کنند و معتقدند که رحیم پور از نظر فن سخنوری از الگوی شریعتی بهره‌ی بسیار گرفته است و همچنان که آن استاد شهیر با مخلوط کردن استدلال، وعظ و خطابه و به مدد ذوق ادبی توانست در فضای آرمان خواهی و انقلابی دهه‌ی چهل و پنجاه برای خود مخاطبان بسیاری در بین جوانان، روشن‌فکران و حتی توده‌ی مردم به دست آورد، امروز رحیم پور نیز در تلاش است تا بتواند قدرت نفوذ کلام همشهری دیروز خود را به دست آورد و به آوازه‌ای هم‌تراز با او برسد. (۶)

در تاریخ اندیشه‌ورزی ایران در چند دهه‌ی اخیر، عنوان فیلسوف شفاهی با نام مرحوم احمد فردید گره خورده است. فردید تقریر و کتاب خاصی از خود برجای نگذاشته است و هرآنچه از او وجود دارد، روایت و تقریر شاگردانش از جلسات درس و بحث وی است. حسن رحیم‌پور ازغدی، جز کتاب «عروج خمینیون» که در نوجوانی نوشته است و همچنین جز چند مقاله در نشریات «صبح» و «کتاب نقد»، خودش به انتشار کتاب نپرداخته است؛ چه آنکه هیچ‌گاه در پی فصل فروشی از راه علم نبوده است؛ «به گفته‌ی خودش، وی اکنون ضرورت انقلاب را چیز دیگری جز نشستن و کتاب نوشتن می‌داند» (۸)

تأثیر رحیم پور ازغدی را باید در لایه‌ی لای افکار و اندیشه‌های او جست‌وجو کرد. او به‌تنهایی آغازگر بسیاری از حرکت‌های فکری در جامعه‌ی علمی ایران بود و تنها نشریه‌ی تئوریک که به سردبیری وی پس از سال‌های ۷۶ به روی دکه رفت با استقبال گسترده‌ای مواجه شد؛ تا جایی که برخی مجلدات آن به چاپ سوم هم می‌رسید. نسبت به آرا و اندیشه‌های وی، بررسی‌های گسترده‌ای باید صورت بگیرد، اما به صورت اجمالی می‌توان از محورهای زیر به‌عنوان برخی از سرفصل‌های اندیشه‌ی وی یاد کرد.

**الف) از پیش‌قراولان انتقاد به وضعیت علوم انسانی**

وی از جمله کسانی بود که فضای جمود و بی‌حرکتی در حوزه‌ی علوم انسانی کشور را مورد نقد و ارزیابی قرار داد. از دهه‌ی هفتاد و حتی قبل‌تر از آن، به ارزیابی و نقد این وضعیت پرداخت و کلمات کلیدی خود درباره‌ی وضعیت علوم انسانی و فضای آکادمیک آن را در مقالات و سخنرانی‌های خود بسط داد. در اولین شماره‌ی «کتاب نقد» در مقاله‌ای که برای ترسیم فضای فکری نشریه

نگاشت، یک نقاشی تئوریک از وضعیت اسفبار علوم انسانی و رکود دانشگاهی را به نمایش گذاشت: «ما در عصر نرحمه و تقلید به سر می‌بریم. کسی متفکرت‌تر دانسته می‌شود که مترجم‌تر است. جرئت اجتهاد در برابر غرب، دوباره به تدریج از ما سلب می‌شود. ما اجازه نخواهیم داشت در عرض فرهنگ ترجمه بیندیشیم، محکوم شده‌ایم که در طول آن بیندیشیم.»

رحیم پور ازغدی در نگاه انتقادی خود، جایگاه ترجمه‌محوری را در متون علوم انسانی آشکار ساخت: «امروز ترجمه در علوم سیاسی، اقتصاد، حقوق و حتی ادبیات و الهیات، نابوهای بسیار تراشیده که حتی نگاه انتقادی به آنان، جزء محرمات عصر جدید درآمده است. یک رفرس معنی (با سلسله‌سندی هرچه غربی‌تر) کار هزار اندیشه‌ی اجتهادی را می‌کند.»

وی همچنین به آگاهی بخشی درباره‌ی مندهای روشن‌فکران وابسته به جبهه‌ی ترجمه و تقلید پرداخته است: «گمته‌های نظارتی بد اخلاق، تنگ چشم و خودجوش؛ تشکیل شده است که با غربالی ریزبافت، همه‌ی آنچه را برخلاف آیات مقدس عصر جدید غرب، در معدود نشریات دینی منتشر می‌شود، بیخند و روحیه‌ی اجتهاد را سرکوب و استهزاء می‌کند که علمی نیست، به متون خارجی ارجاع نداده است، لحن ایدئولوژیک دارد و...»

رحیم‌پور در ادامه به بررسی ریشه‌های وابستگی این قسم روشن‌فکری می‌پردازد: «امروز، بسیار شده‌ایم کسانی که می‌نویسیم بی‌آنکه دلالات واقعی آنچه را می‌نویسیم در نظر داشته باشیم، افکار خود را فکر نمی‌کنیم. خود حرف می‌زنیم، اما خود را نمی‌زنیم. ما فکر نمی‌کنیم، فکر می‌شویم! خواهیم دید که به تدریج در جنب توده‌ی تفکرات و مکالمات ترجمه‌ای، تدریس نظریه‌های جدید (به‌محض آنکه غربی نباشند) در فرهنگ جامعه‌ی علمی ما، ممنوع خواهد شد و صاحبان اصلی و غربی افکار، اختیار نشر نظریات خود را به مباشران بومی تفویض می‌کنند تا رعایای عصر جدید، کار را به مراتب عادی‌تر و موجه‌تر ادامه دهند.»

سپس به تشریح مسئولیت فاضلان حساس و روشن‌فکران دردمند اشاره می‌کند و آن‌ها را به تلاش برای تغییر وضعیت دعوت می‌کند: «در برابر این جماعت کثیر، فاضلان حساس و دردمند و موضع‌گیر قرار دارند که عاقبت و ایمنی آکادمی را رها کرده و تن به گرداب می‌سپارند. سکوت در برابر مسئولیت، به مسئولیت در برابر سکوت خواهد انجامید.»

رحیم پور سپس به تشریح صحنه‌ی منازعه می‌پردازد و برای باران گفتگمانی خود، افق این منازعه را ترسیم کرده و با توجه به آن، نظر خود را درباره‌ی وضعیت فکری کشور آشکارتر می‌گوید: «می‌دانیم که امروز باد در جهت عکس حرکت منتقد می‌وزد و پیشروی سخت است. منتقد اصلاح طلب با ملامت ملامت‌گران، سینه‌به‌سینه است، ولی طاققت باید باد نیز تغییر جهت خواهد داد. صبر لازم است، اما نه صبری فعال، نه صبری منفعل. آری در دورانی که اصل حقیقت انکار می‌شود، اشتغال به خام‌کاری حواشی حقیقت، کاری غیرمسئولانه و بی‌توجهی است.»

رحیم‌پور در کتاب «گفت‌وگویی انتقادی با علوم اجتماعی» لهجه‌ی صریح‌تری به خود گرفته و با تقابل مفاهیم و معیارهای دو علوم انسانی در برابر یکدیگر، از هدف گفتگمان تحول در علوم انسانی می‌گوید: «عصر تعبد در برابر علوم انسانی ترجمه‌ای به سر رسیده و عصر تعقل آغاز شده است. نسل امروز، عنصر عقل بومی را جایگزین نقل غربی خواهد کرد.»

استاد رحیم پور ازغدی: عصر تعبد در برابر علوم انسانی ترجمه‌ای به سر رسیده و عصر تعقل آغاز شده است. نسل امروز، عنصر «عقل بومی» را جایگزین «نقل غربی» خواهد کرد.

ب) جامعه‌سازی اسلامی؛ پروژه‌ای همچون

## تعمیر کشتی بر روی آب

رحیم پور ازغدی از جمله متفکرانی است که از امکان ایجاد تمدن اسلامی صحبت کرده است، اما پروژه‌ی او برای این کار شروع از صفر نیست، زیرا در نگاه او، نمی‌توان جامعه را متوقف کرد. جامعه‌سازی در اندیشه‌ی او، به تعمیر کشتی در اقیانوس می‌ماند: «تمدن‌سازی و جامعه‌سازی مثل تعمیر کشتی روی آب است. نمی‌شود یکجا و یک‌مرتبه همه‌اش را عوض کرد. باید قطعه‌قطعه و به تدریج و با اولویت‌بندی تعمیر و تعویض کرد و تا تئوری جدید دینی نیاورید، جامعه‌ی بشری تئوری‌های قبلی غیردینی را رها نخواهد کرد.»

رحیم‌پور با این نگاره‌ها، علی‌رغم ابراز نظر خود مبنی بر امکان ایجاد تمدن اسلامی، از روش ویژه‌ی خود برای ساخت چنین جامعه‌ای نیز سخن گفت. در حقیقت وی از یک‌سو با کسانی که از امتناع تمدن اسلامی حرف می‌زنند و از سوی دیگر، با برخی نظریه‌ها که لزوم پیاده‌سازی آن‌ها به نوعی منوط به توقف جامعه و سپس جامعه‌سازی از نقطه‌ی صفر است، تفاوت دارد.

رحیم‌پور ازغدی معتقد است که ما در تحلیل وضعیت خود در محیط فعلی، نباید دچار برخی اشتباهات شویم. اولین پرسش وی، برای جابجایی تئوریک ما این نکته است که نظر ما نسبت به تمدن فعلی حاکم بر جهان چیست؟ پاسخ رحیم‌پور به این پرسش آن است که تمدن فعلی نه کاملاً دینی است و نه کاملاً غیردینی. «این تمدن بنیان‌های مسیحی و دینی دارد. حتی سوابق اسلامی هم دارد. خالصاً غیردینی نیست و من معتقدم هیچ امر انسانی تاریخی اجتماعی نداریم که خالصاً و صد درصد غیردینی باشد. بنابراین نمی‌توان گفت که این تمدن صد درصد غیردینی است، اما در عین حال، نمی‌توان گفت که این تمدن آن‌طوری که مدنظر ماست، دینی است. (۱۰)

مطلب بعدی وی، پاسخ به این پرسش است که آیا هرچه از غرب آمده، غربی است؟ پاسخ وی به این سؤال، منفی است و ملاک وی، ارائه‌ی الگویی از روش‌شناسی برای تشخیص امر دینی از غیردینی است: «ما باید با ملاک‌های دینی، که شامل عقل و نقل است، تفکیک بکنیم آنچه از غرب یا شرق می‌آید، به چه معنا دینی و به چه معنا غیردینی است. شاید بسیاری از آنچه از غرب آمده با دین منافات نداشته باشد یعنی نمی‌توان به آن غربی، به معنای سکولار گفت. (۱۱)

ملاحظه‌ی بعدی رحیم‌پور درباره‌ی رابطه‌ی تمدن اسلامی با تمدن فعلی حاکم بر جهان است. وی برای پاسخ به این مسئله، ابتدا سه نظریه را مطرح می‌کند و توضیح می‌دهد. نظریه‌ای که تمدن اسلامی را همین تمدن غربی می‌داند. نظریه‌ای که می‌گوید تمدن اسلامی با تمدن غربی از بیخ و بن متفاوت است. وی در ادامه، توضیح می‌دهد: «نظری که بنده به آن معتقدم این است که بین تمدن اسلامی که ما باید دوباره آن را با شرایط جدید و با استفاده از تجربه و عقل سیصد چهارصد سال گذشته‌ی غرب و شرق و تجربیات خودمان بازسازی کنیم و نسبت آن تمدن اسلامی با تمدن غربی عموم و خصوص من وجه است؛ یعنی موارد اشتراک زیادی دارد.» (۱۲)

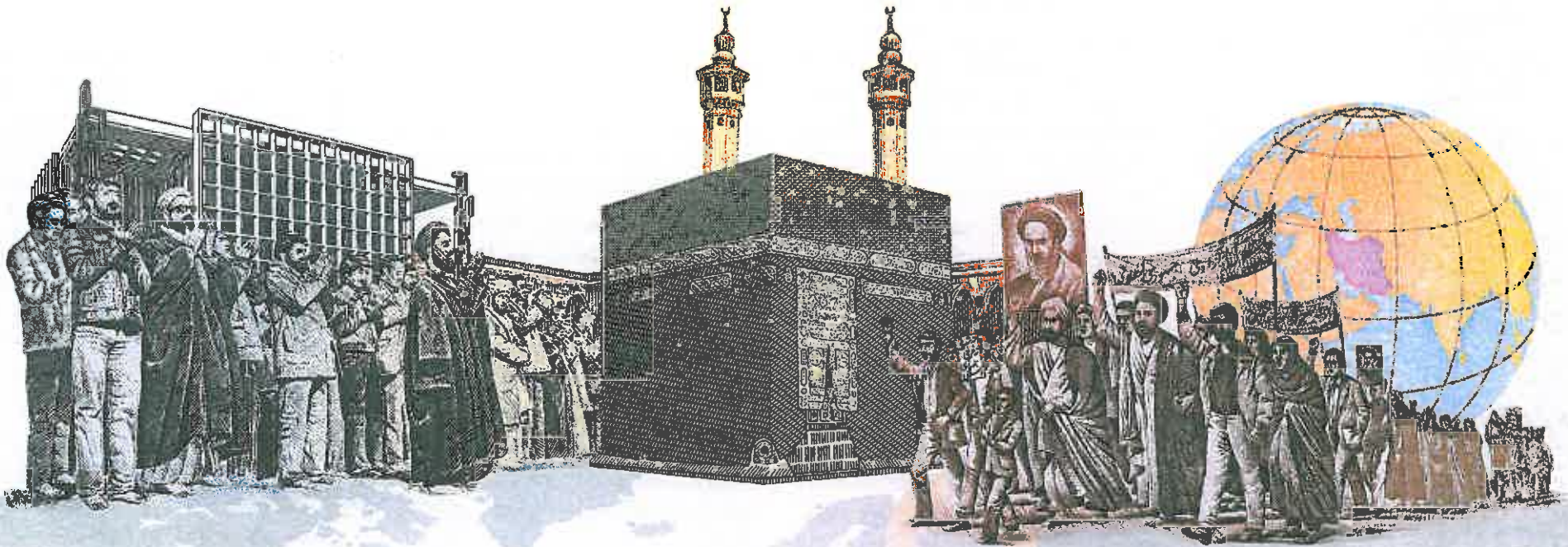
- پی‌نوشت‌ها:
۱. فصلنامه‌ی کتاب نقد، ش ۱، بهار ۷۴.
  ۲. «شریعتی روشن‌فکری ایدئولوژی»، سخنرانی رحیم‌پور ازغدی در یادمان دکتر علی شریعتی در دانشگاه تهران.
  ۳. فصلنامه‌ی اندیشه‌ی پایدار، ش ۶ اردیبهشت ۹۳.
  ۴. تربیون مستضعفین، ۳ تیر ۹۱.
  ۵. فصلنامه‌ی اندیشه‌ی پایدار، ش ۴، آذرماه ۹۱.
  ۶. روزنامه‌ی ابتکار، ش ۱۳۱۴، ۲۲ مهر ۸۷.
  ۷. فصلنامه‌ی اندیشه‌ی پایدار، ش ۴، آذر ۹۱.
  ۸. همان.
  ۹. ماهنامه‌ی سوره‌ی اندیشه، ش ۳۰، دی و بهمن ۱۳۸۵.
  ۱۰. همان.
  ۱۱. همان.



# { زنجیره تمدن سازی اسلامی }

تشکیل دولت اسلامی یکی از مراحل رسیدن به تمدن اسلامی است. از این رو و به مناسبت تشکیل یازدهمین دولت جمهوری اسلامی ایران پایگاه اطلاع رسانی [khamenei.ir](http://khamenei.ir) مراحل تشکیل زنجیره تمدن نوین اسلامی را در اینفوگرافیک «زنجیره تمدن سازی اسلامی» برگرفته از بیانات حضرت آیت الله خامنه ای منتشر میکند.

یک زنجیره ای منطقی وجود دارد؛ ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله ای بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله ای بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است. این یک زنجیره ای مستمری است که به هم مرتبط است. ۸۳/۰۸/۰۶ و ۹۰/۰۷/۲۴



**تمدن**

اگر کشور اسلامی به وجود آمده آن وقت نژاد مسلمانان عالم، انبوت و امتوه می شویم. لشکونوا شهدائنا علی الناس... آن وقت تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد و فرهنگ اسلامی فضیلت عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. ۸۷/۲۸/۲۸

**جامعه**

جامعه ای اسلامی یعنی جامعه ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. ۸۳/۳

**دولت**

دولت اسلامی یعنی همه ای کارگزاران نظام اسلامی باید جهت گیری ها و رفتار اجتماعی و فردی و رابطه شان با مردم را بنا معیارهای اسلامی تطبیق دهند بعد هم باید آن جهت گیری ها را در مد نگاه خویشان فرار دهند و بسرعت به سمت آن جهت گیری ها حرکت کنند. ۸۳/۳۱

**نظام**

نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن... یعنی هندسه ای عمومی جامعه، اسلامی بشود. ۸۳/۳۱

**انقلاب**

انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی... منظور ما از انقلاب اسلامی یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون میکند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده میکند. ۸۳/۳۱

**هدف و نتیجه زنجیره:**

- تشکیل کشور اسلامی بازگشت معنویت به زندگی بشر ۸۵/۷/۲۴
- کمال معنوی و الهی انسانها در سایه جامعه اسلامی ۹۰/۷/۲۴
- فراگیر شدن فرهنگ اسلامی در فضای عمومی بشریت ۹۷/۵/۲۸
- زمینه سازی ظهور امام زمان (عج) ۱۲/۷/۲۹

**الزامات تحقق زنجیره:**

- کامل کردن مبانی معرفتی نظام ۸۵/۷/۲۴
- کامل کردن بنای نظام بر اساس مبانی معرفتی آن ۸۵/۷/۲۴
- تقوای فردی و تقوای جماعت و امت ۸۷/۵/۲۸
- استقامت و پایداری ۸۷/۵/۲۸

**ویژگیهای زنجیره:**

- منطقی و مستمر ۹۰/۷/۲۴
- فرآیند طولانی و دشوار ۸۰/۹/۲۱
- نزدیک شدن نسبی به اهداف ۸۰/۹/۲۱
- پویایی و پیشروندگی ۸۵/۷/۲۴